ادامه از صفحه ۵

واردات از چین، دو برابر دولت قبل

۹۰ درصد واردات دولت قبل از چین برای تولید بود: بر اساس آمار گمرک کشور که مأخذ رسمی بازرگانی خارجی محسوب می‌شود، ارزش کل واردات ایران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ برابر با حدود ۴۲۰ میلیارد دلار بوده است که بیش از ۹۰ درصد آن به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مربوط می‌شود و معنی آن این است که با ورود این کالاها به کشور، شرایط تولید و سرمایه‌گذاری بهبود یافته و به تبع آن برای جوانان این مرزوبوم شغل ایجاد شده است.

تناقضات آماری در دولت کنونی: در پاسخ به اتهام آقای جهانگیری، شایسته است به این نکته اشاره شود که ادعای معاون‌اول محترم نه‌فقط در تناقض آشکار و فاصله بسیار زیاد با آمار رسمی گمرکات کشور و بانک مرکزی است بلکه حتی با آمار منتشره از سوی سایر مقامات دولت یازدهم نیز اختلافات فاحشی دارد. به‌طوری که هشت مرجع و منبع مختلف، آمار متفاوتی درخصوص میزان واردات در حدفاصل سال‌های ۸۴ تا ۹۱ را اعلام کرده‌اند که هیچ‌کدام با یکدیگر یکسان نیست!نخستین شبهه را در این زمینه، معاون‌اول محترم دولت یازدهم در تاریخ ۵ اردیبهشت ماه امسال مطرح کرد. وی گفت: «در دولت‌های نهم و دهم ۷۰۰ میلیارد دلار از پول مملکت خرج واردات کالا به کشور شد، این به آن معناست که این میزان پول رفته و موجب اشتغال جوانان چینی و کشورهای دیگر شده است».

ادعایی که مردود اعلام شد: پس از ادعای مزبور، آقای مجیدرضا حریری رئیس کمیسیون واردات اتاق بازرگانی و آقای اسداله عسگراولادی رئیس اتاق‌های بازرگانی مشترک ایران و روسیه و ایران و چین، این ادعای وی را قویا رد کردند.

ادعایی متفاوت از سوی رئیس‌جمهور: از سوی دیگر، آقای روحانی رئیس‌جمهور محترم در نشست خبری بیست و سوم خردادماه سال جاری با رسانه‌های ارتباط جمعی گفت: در گذشته ۷۲۰ میلیارد دلار صرف واردات گردید و کشور کاملا به بیرون متکی شد و همان هم علامت تحریم به بیرون را داد.ادعای آقای جهانگیری توسط رئیس‌جمهور، این بار با ۲۰ میلیارد دلار بالاتر از رقم اعلام‌شده توسط وی، تکرار گردید که این امر بار دیگر شبهات درخصوص واردات در دوره زمانی سال‌های ۸۴ تا ۹۱ را بیشتر کرد.

پاسخ درستی که گران تمام شد: اندکی بعد آقای بهزاد شیری معاون برنامه‌ریزی گمرک در گفت‌وگو با «نسیم» ضمن رد ادعای رئیس‌جمهور و معاون‌اول وی درباره واردات دوره ۹۱-۸۴، تأکید کرد که واردات در دو دولت نهم و دهم از مرز ۴۲۵ میلیارد دلار تجاوز نمی‌کند.ردکردن آمار رئیس‌جمهور و معاون‌اول وی توسط معاون گمرک، آنقدر برای دولتمردان گران تمام شد که وی مجبور شد عصر همان روز، اظهارات خود را تکذیب کند. آقای شیری در اقدامی قابل تامل، بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی گمرک جمهوری اسلامی ایران و در توجیه آمار واردات ۷۲۰ میلیارد دلاری، عدد و رقم جدیدی را ارائه داد و ادعا کرد که ۵۱۳ میلیارد و ۲۲۷ میلیون دلار در دولت‌های نهم و دهم صرف واردات کالا شده است!در همین حال سازمان‌ملل در تیرماه امسال گزارش مستندی را درباره حجم واردات و صادرات کشورهای مختلف جهان منتشر کرد که در آن حجم واردات ایران طی ۸ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ حدود ۴۲۶ میلیارد دلار اعلام شده است.

آمارسازی برای توجیه آمار رئیس‌جمهور: در همان روز رئیس کل گمرک در مصاحبه با روزنامه جهان صنعت درحالی که قصد اثبات واردات ۷۲۰ میلیارد دلاری موردنظر رئیس‌جمهور را داشت، عدد جدیدی را درخصوص واردات ارائه داد. آقای کرباسیان گفت: با احتساب واردات خدمات که رقمی معادل ۱۲۶ میلیارد و ۳۸۰ میلیون دلار است، مجموع واردات کالا و خدمات ۶۹۵ میلیارد و ۶۰۷ میلیون بوده است.ارائه آمارهای متناقض درخصوص واردات در حد فاصل سال‌های ۸۴ تا ۹۱ به همین‌جا ختم نشد و این بار سخنگوی دولت در نشست خبری خود، آمار جدیدی را در این‌خصوص اعلام کرد. وی گفت: از سال ۸۴ تا ۹۱ به ترتیب، ۳۹، ۴۱، ۴۸، ۵۶، ۵۵، ۶۴، ۶۱ و ۵۰ میلیارد دلار در حدفاصل سال‌های ۸۴تا ۹۱ صرف واردات شده است.با جمع ارقام اعلام‌شده از سوی آقای نوبخت، رقم جدیدی به دست می‌آید که نشان می‌دهد واردات در دولت‌های نهم و دهم ۴۱۸ میلیارد دلار بوده است.

واقعیت چیست؟ با مراجعه به آمار بانک مرکزی که در مردادماه ۹۲ درخصوص واردات و صادرات در دولت نهم و دهم منتشر شد، به این نتیجه روشن می‌رسیم که مجموع واردات هشت‌ساله در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ حدود ۴۱۹ میلیارد دلار بوده است که این رقم با رقم اولیه گمرک، آقای نوبخت و سازمان‌ملل تطابق دارد.مستند به همین منبع آماری باید گفت که بالاترین رقم واردات از چین، مربوط به سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ در دولت یازدهم است که جمعا ۲۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده است. یعنی دولت جدید تنها در دو سال فعالیت خود، معادل ۵۵ درصد کل واردات هشت‌ساله دولت‌های نهم و دهم از چین، واردات داشته است. به عبارت دیگر، میانگین واردات کالا از چین در سال‌های ۹۲ و ۹۳ بیش از دو برابر میانگین واردات کالا در دولت قبل بوده است. به این‌ترتیب معلوم می‌شود که کدام دولت بیشتر به فکر ایجاد شغل برای جوانان چینی بوده است.

مجبور به بازکردن قطعه ۵۹۸ بهشت‌زهرا می‌شویم

عکس: امیر جدیدی، شرق

ادامه از صفحه ۵

طبق آمار خودِ دولتمردان، تا سال ۱۴۰۰، حدود هفت میلیون بی‌کار خواهیم داشت که ۳۶ درصد این بی‌کاران تحصیل‌کرده هستند. در خوشبینانه‌ترین حالت، نرخ بی‌کاری که هم‌اکنون ۱۰،۸ درصد است، به ۱۶ درصد می‌رسد و در بدبینانه‌ترین حالت، بی‌کاری به ۲۸ درصد می‌رسد که نرخ بی‌کاری ۲۸ درصدی یعنی وحشت. این همان آماسی است که پشت‌سرِ دولت و کارهای مثبت او قرار دارد. این خطرِ نبودِ اشتغال مثل یک بادکنک می‌ماند که هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و این چالش حتی می‌تواند به میدانی برای مسائل سیاسی تبدیل شود و رقبا روی این جریان سوار خواهند شد. اگر نگاهی به دولت‌ها داشته باشیم، می‌بینید دولت بعدی عموما روی آماس دولت قبلی سوار می‌شود و با آن ابزار بالا می‌رود.

یعنی به عقیده شما، هم‌اکنون دولت روحانی سوار بر آماسِ دولت احمدی‌نژاد است؟ چون دولت احمدی‌نژادِ تورم لجام‌گسیخته‌ای را برای اقتصاد ایران به یادگار گذاشت، حالا دولت روحانی بر این است این ارثیه و ضعف بزرگِ دولت احمدی‌نژاد را در کارنامه خود دچار تحول شگرف کند؟

دقیقا. من قصد ورود به این مباحث را نداشتم اما احمدی‌نژاد هم روی عقبه قبلی سوار شد. احمدی‌نژاد روی مردمی‌بودن و عدالت کار کرد و شروع به توزیع درآمد بین مردم کرد اما از آن طرف بخش تولید و اقتصاد به زمین افتاد. دولت اصلاحات روی اقتصاد کار کرد اما آرمان‌ها و اعتقادات مردم را رها کرد و احمدی‌نژاد سوار بر مباحث آرمانی شد و حالا هم دولت روحانی سوار بر مسائل اقتصادی است. حالا مسئله‌ای که برای دولت روحانی خطر است، آماس اشتغال است؛ پس باید چراغ‌ها را برای دولت روحانی روشن کرد. اگر دولت روحانی متوجه این خطر نشود و آن را حل نکند، این روند هر روز دامنه بیشتری به خود می‌گیرد. حدود چهار میلیون تحصیل‌کرده ظرف دو سال دیگر با مشکل اشتغال مواجه خواهند بود حالا دولت هر چقدر هم از کارکردهای مثبت خود مثل کاهش تورم و حل‌وفصل روابط بین‌الملل بگوید، باز هم پدر خانواده با یک درآمد باید تکفل چندین فرزند تحصیل‌کرده لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترای خود را برعهده گیرد؛ فکر می‌کنید قابل تحمل است؟

راهکار و پیشنهاد مشخص شما برای دولت چیست؟ قاعدتا باید بخش تولید تقویت شود. اما چطور؟ با کدام پول؟ با چه راهی برای تأمین مالی؟

باید نوع نگاه را به تولید و اشتغال تغییر دهیم. به جای اینکه هزاران میلیارد را به واحد پتروشیمی، آن هم برای اشتغال ۵۰۰ نفر هزینه کنیم، همین پول را به واحدهایی برای اشتغال ۱۰ هزار نفری تزریق کنیم. من نمی‌گویم واحدهای بزرگ را فراموش کنیم حرف من این است الان باید به بنگاه‌های متوسط و کوچک توجه کنیم.

دولت یازدهم از زمان آغازبه‌کار، اعلام کرده دولت قبل ارثیه‌های بسیار بدی برای او به جا گذاشته است. خزانه‌ای خالی با بدهی‌های سنگین تحویل گرفته است. ۴۰ درصد نظام بانکی که بخش تولید تماما به آن متکی است، قفل شده و با معوقات صد هزار میلیاردی و بدهی‌های کلان روبه‌رو است. با این حساب، فکر می‌کنید باید از کجا پول وارد شود که فکری برای تولید کشور شود؟

در دو سال اول می‌توانستند از این حرف‌ها بزنند که ما اقتصاد را این‌گونه تحویل گرفتیم اما دیگر الان هرچه بوده، گذشته است. الان مشکل بی‌کاری است، علت هم می‌خواهد آن دولت باشد، الان دولت دیگری بر سر کار آمده و باید این مشکل را حل کند. ممکن است دولت بگوید من خیلی کارها کردم، تورم را پایین آوردم، ایجاد آرامش کرده و سیاست خارجی را حل کردم، همه درست است، اما جوانان بی‌کار داریم. این مشکلی است که باید به دولت آن را گوشزد کرد و دولت باید فکری برای این بی‌کاری کند وگرنه آماس ایجاد می‌شود. ضمن اینکه قدرت خرید مردم به‌ویژه طبقات متوسط نیز از دیگر چالش‌های دولت روحانی است. بیش از ۵۰ درصد جامعه ما را قشر متوسط تشکیل می‌دهد که این مسئله‌ای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. درآمد و هزینه این جامعه متوسط با الگوی مصرف، دیدگاه و انتظارات خاص خود، همخوانی ندارد. دهک‌های پنج به پایین جامعه که دیگر هیچ‌چیزشان با هم نمی‌خواند و در فشار هستند. اگر دولت نتواند تعادلی بین درآمد با هزینه و مصرف مردم ایجاد کند، آماس و خطر دیگری هم برای دولت روحانی شکل خواهد گرفت. حالا در این شرایط هم که تکیه‌گاه اصلی بخش تولید نظام بانکی است، به مشکل خوردند.

به مشکل یا به زمین؟

هم به مشکل و هم تا حدی به زمین. چهار رابطه در نظام بانکی وجود دارد که هر چهار رابطه به مشکل خوردند؛ رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی، دولت، مردم و فعالان اقتصادی و روابط بین‌بانکی. هر چهار رابطه در تلاطم هستند. کفایت سرمایه بانک‌ها با ضوابط قانونی هم‌خوانی ندارد به‌طوری‌که مقدار تسهیلات اعطایی با سرمایه آنها هم‌خوانی ندارد و چندبرابر ضریب قانونی تسهیلات اعطا کردند. پس در نتیجه هم‌اکنون پول ندارند.

یعنی دیگر نمی‌شود روی بانک‌ها حساب باز کرد؟

بله. ریسک است. یک بانک هزار میلیارد سرمایه دارد اما ۱۲ هزار میلیاردتومان وام داده است. اگر تقی به توقی بخورد، دیگر تمام است و چیزی ندارد. بانک‌های ما با نرخ سودی که در اختیار دارند، بهترین درآمد را در بخش اقتصادی دارند که درآمد و سود آنها قابل‌قیاس با هیچ فعالیت اقتصادی‌ای در ایران نیست. یک قِران خودشان را ۱۰ تومان فروختند. ۱۰برابر از آن یک قران را برای سرمایه استفاده کردند و برابر آن هم ۲۰ درصد سود بردند.

پس با این حساب‌وکتاب پرسودی که دارند، چرا زمین خوردند؟

زمین نخورده‌اند هنوز، مردم را به زمین می‌کشانند. چرا زمین بخورند؟ سودهایشان را حساب کنید. الان اگر ترمز کنند، در عمل به مشکل می‌خورند. زمین‌خوردن را از این زاویه باید نگاه کرد، چون پول‌های خود را دادند اما پول‌هایشان را پس ندادند. فقط در اینجا محاسبه‌هایشان عوضی درآمده است. وام‌های بزرگی دادند که ریسک بالایی برایشان در پی داشت و حالا همان بزرگ‌ها، پول‌های بانک‌ها را پس نمی‌دهند و درعوض کارخانه‌ها را تحویل بانک‌ها دادند. حدود هزارو ۴۰۰ کارخانه را تحویل گرفتند که حالا بانک هم نمی‌تواند کارخانه‌های ورشکسته را اداره کند. کارخانه ورشکسته هم که برای بانک‌ها پول نمی‌شود.

گفته می‌شود ۶۰ درصد تسهیلات بانک‌ها هم به افراد صاحب‌نام و صاحب‌رانت و شهرت داده شده است.

بله دیگر. ولی من قاضی نیستم، امنیتی هم نیستم. اطلاعاتش را هم ندارم ولی به‌طورکلی باید گفت که رابطه بانک‌ها با مردم و فعالان اقتصادی در تلاطم است و روی ریل نیست. از طرف دیگر بانک‌ها از دولت طلبکارند، به بانک مرکزی بدهکارند و از بانک مرکزی وام ۳۶ درصدی گرفته‌اند. مردم هم به بانک‌ها بدهکارند و مجموعه این چهار رابطه به‌هم خورده است و حالا از همدیگر قرض می‌گیرند و ۷۰درصد تولید کشور به چنین مجموعه به‌هم‌ریخته‌ای متکی است که دستش مو ندارد و حالا همه‌چیز با هم قفل شده است؛ دقیقا از همین‌جا رانت و امریه پیدا می‌شود و امضای تسهیلات، سرقفلی پیدا می‌کند و فسادها به‌دنبال همین کسری‌ها به وجود می‌آید.

زمانی از اهالی سیاست خواهش کردم که برای مدتی سایه مبارک‌شان را از سر اقتصاد بردارند اما به این نتیجه رسیدم که حرف بیخودی می‌زدم. الان صحبت اعتدالی من خطاب به سیاسیون این است که اقتدار سیاسی شما به اقتدار اقتصادی وصل شده یعنی اگر به فکر اقتدار سیاسی هستید باید ابتدا به فکر اقتدار اقتصادی باشید وگرنه آن آماس‌ها کار را از دست شما می‌گیرد

حالا باید دور بانک‌ها را خط قرمز بکشیم و در جریان تأمین مالی بخش تولید، دیگر حتی به آنها فکر هم نکنیم؟

نه.

پس می‌شود هنوز به آنها تکیه کرد؟

بگذارید ترس‌ها و بحران‌های دیگر را هم بگویم. بحث دیگر همین پساتحریم است. بانک‌های ما در شرایط تحریمی در اوج قدرت و با بهره ۲۵ درصدی کار می‌کردند. حالا اگر بنا باشد که نظامات بانکی دنیا به ایران بیایند، از آنجا که بانک‌های ما به پول‌های پنج‌درصدی عادت نکرده‌اند، نمی‌توانند خودشان را با پنج‌درصد و ۱۰ درصد اداره کنند. تاکنون که گشایش السی‌ها را از طریق دلال و صراف انجام می‌دادیم اما اکنون قرار است این مسائل به روال عادی برگردد. یعنی این نظام غیرمتعارف ۱۰ درصد می‌گرفتند تا این پول‌ها را به خارج منتقل کنند. حالا وقتی همه‌چیز به روال عادی برگردد، دیگر از این قبیل سودها به‌دست نمی‌آید. چون ۱۰ درصد هم از ناحیه معاملات و نقل‌وانتقالات سود کسب می‌کردند. از طرفی، بانک‌های دنیا در شرایطی می‌خواهند با بانک‌های ما وارد معامله شوند که بانک‌های ما با استاندارد ۲۰ سال قبل کار می‌کنند و نیازمند آن هستند که فرمت و آیین‌نامه‌های خود را تغییر بدهند. پس در روابط بین‌الملل نیز مشکلاتی جدی پیش‌روی نظام بانکی ماست. ضمن اینکه بر سر قانون بانکداری اسلامی هم دعوا بسیار است. بنابراین از هر زاویه‌ای به نظام بانکی نگاه کنید، این نظام متزلزل است. حالا جالب است که دولت هم می‌خواهد مشکلات خود را از طریق نظام بانکی حل کند. بنابراین ۷۰ درصد تأمین مالی ما آویزان نظام بانکی لرزانی است که در شرایط متلاطمی قرار دارد. مسئولان این نظام هم تلاش جدی می‌کنند؛ همین که آقای دکتر سیف در این شرایط لرزان و بی‌پولی، توانسته است نرخ ارز را ثابت نگه دارد و تورم را پایین بکشاند، خیلی کار بزرگی کرده است.

بازار سرمایه و بورس هم با وضعیت ناخوشایندی که دارد، می‌تواند تکیه‌گاه خوبی باشد؟

اگرچه سیاست‌گذاری‌ها به این سمت بود که نیاز مالی واحدهای بزرگ از طریق بورس و بازار سرمایه تأمین شود و بانک‌ها به سمت سرمایه در گردش بروند اما حالا خود بورس هم لرزان شده است.

پس تأمین مالی از هر دو طرف یعنی بانک و بورس، به بن‌بست خورده است؟

نمی‌توانیم بگوییم که پول نخواهید، ولی وضع به اینجا رسیده است. مشکل دیگری هم که در بحث تأمین مالی هست، خریدوفروش مواد اولیه و محصول است. در شرایط رونق سه‌ماهه پول خود را با فروش محصولات درمی‌آوردند؛ اما الان در شرایط رکود ۴۰۰ روزه هم پولشان برنمی‌گردد. اگر نگاهی به آمار چک‌های برگشتی داشته باشید، وحشت می‌کنید. وضع ما به جایی رسیده است که از بانک پول بهره‌دار گرفته‌اند و در شرایط تحریم، مواد اولیه را ۲۰ درصد گران‌تر خریداری کرده‌اند و حالا به محصول تبدیل شده است؛ اما محصول به دلیل رکود در انبارها خوابیده است. آن مقدار محصولی را هم که فروخته‌اند، ۳۰۰ الی ۴۰۰ روز بعد پولش برمی‌گردد. مشکل دیگر تولید این است که یک زمان دلار هزارو ۲۲۶ تومان بود؛ اما حالا دلار به بیش از سه هزار تومان رسیده است؛ بنابراین نیاز و نقدینگی سه برابر شده است؛ ازهمین‌رو تولید کشور در رابطه با تأمین مالی در تمامی ابعاد در منگنه است. حالا در چنین بازاری با هزار جور دنگ‌وفنگ محصولی تولید می‌شود که به دلیل استانداردنبودن، ضمن اینکه کیفیت پایینی دارد، قیمت تمام‌شده بالایی هم دارد و آن‌وقت قرار است با جنس‌های خارجی با کیفیت بالا و قیمت پایین رقابت هم بکند. حالا وضع ما آنجا بدتر می‌شود که در پساتحریم درهای کشور باز شود. تمام محصولات ۳۰ درصد گران‌تر با سطح تکنولوژی پایین‌تر تولید شده است؛ در چنین شرایطی، جنس خارجی را که با کیفیت و قیمت مناسب وارد شده است، خریداری می‌کنید یا تولید داخل وتو نکردند، انجام می‌شود. دولت باید شهامت داشته باشد و اولویت را از باشگاه سیاست به اقتصاد بدهد. اما گیر کار اینجاست که دولت چقدر حاضر است خودش را به خطر بیندازد. یک زمانی می‌گفتم از اهالی سیاست خواهش می‌کنم برای یک مدت سایه مبارکشان را از سر اقتصاد بردارند اما به این نتیجه رسیدم که حرف بی‌خودی می‌زدم.

چرا؟

چون شدنی نیست، برای اینکه کشور را سیاسیون اداره می‌کنند. آنها باید حکومت را اداره کنند تا بقیه فعال باشند. الان به این نتیجه رسیدم که معتدل صحبت کنم، صحبت اعتدالی من خطاب به سیاسیون این است که اقتدار سیاسی شما به اقتدار اقتصادی وصل شده؛ یعنی اگر به فکر اقتدار سیاسی هستید، باید ابتدا به فکر اقتدار اقتصادی باشید وگرنه آن آماس‌ها کار را از دست شما می‌گیرد. اگر مسائل اقتصادی را حل نکنند، قطعا ضربه می‌خورند. پس اگر اقتصاد را سر و سامان ندهید، نمی‌توانید انتظار بقا داشته باشید. پس ۵۰ درصد به سیاست و ۵۰ درصد به اقتصاد اولویت بدهید. باید تعاملی بین اصحاب سیاسی و اقتصادی ایجاد شود تا مشکلات نسبی حل شود. من دلسوزانه می‌گویم که بقای دولت در گرو رفع آماس‌هاست تا دیگری سوار بر آن نشود. ضمن اینکه دولت اگر می‌خواهد در اقتصاد موفق باشد و همه؛ از دفتر مقام رهبری تا مردم کوچه و بازار، یارش باشند، باید در چارچوب اقتصاد مقاومتی حرکت کند.

شمار می‌آییم. در ۳۰ سال گذشته ۷۰ درصد از واردات ما، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است و فقط ۳۰ درصد کالای مصرفی وارد کرده‌ایم؛ این بدان معناست که ما مقدار زیادی ماشین‌آلات و خط تولید وارد کردیم. در هر شهر چندین شهرک صنعتی وجود دارد که مملو از ماشین‌آلات است. این ماشین‌آلات فقط با ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کند به‌طوری‌که ماشین سی‌ان‌سی دو میلیون دلاری خریداری کردیم اما فقط هفته‌ای دو ساعت با آن کار می‌کنیم. پس آورده‌های ما کم نیست.

ولی مشکل، پول است. پول نداریم!

فقط پول نیست، ما از داشته‌های خود مطابق اقتضائات اقتصادی نمی‌توانیم استفاده بهینه داشته باشیم. من معتقدم که می‌توان از داشته‌های موجود برای بهینه‌کردن اقتصاد استفاده کرد به شرط اینکه نظام تدبیرِ امور اقتصادی با سیاست‌های همخوان به‌درستی تنظیم شود. اقتصاد در گرو مجموعه کار بازیگران حوزه‌های مختلف است. اگر می‌خواهیم اقتصاد کشور را سر و سامان بدهیم، باید اقتصاد از حاشیه به متن بیاید. نمی‌شود اقتصاد در حاشیه باشد و انتظار متنی از آن داشته باشیم؛ یعنی اولویت اول ما جریانات سیاسی در کشور باشد. همین الان می‌خواهند شش ماه دیگر رأی مجلس را داشته باشند. دولت با دو مقوله روبه‌رو است، اول اینکه ذهن و فکر خود را در اقتصاد بگذارد و اقتصاد را سر و سامان بدهد یا اینکه به فکر آن باشد که مجلس همراهی برای خود درست کند. دولت ۴۰ هزار میلیارد تومان باید یارانه بدهد. عقل اقتصادی می‌گوید دولت بودجه عمرانی خود را تعطیل کرده و درآمد نفتی و مالیاتی هم کم شده، پس با کسری بودجه روبه‌رو است. طبق اذعان خودش هم ۱۰ میلیون نفر بی‌خودی یارانه می‌گیرند. خود دولت به این نتیجه رسیده است که نباید به این افراد یارانه بدهد اما همچنان یارانه می‌دهد. چرا؟ چون این مسئله در رأی آتی نقش دارد. ممکن است جریاناتی سوار بر این مسئله شوند و بگویند احمدی‌نژاد به ما یارانه می‌داد اما این دولت یارانه ما را قطع کرد. پس دولت می‌گوید فعلا بهتر است یارانه را به این افراد بی‌نیاز هم بدهم. و از همین‌رو در حوزه اقتصاد ریسک نمی‌کند و می‌گوید الان وقت قطع یارانه‌ها نیست.

و این تدبیر قابل‌قبولی است؟

برای سیاسیون بله. سیاسیون می‌گویند آفرین، مقاومت کرد ولی اقتصادیون می‌گویند که وحشتناک‌ترین مسئله پرداخت یارانه است. پس هنوز اقتصاد ما سیاست‌زده است. از آنجا که دولت یک حلقه سیاسی دارد و یک حلقه اقتصادی؛ بنابراین هر آنچه را که تصمیم‌گیران اقتصادی بگویند، باید موردپذیرش آن حلقه سیاسی قرار بگیرد و اگر آنها وتو نکردند، انجام می‌شود. دولت باید شهامت داشته باشد و اولویت را از باشگاه سیاست به اقتصاد بدهد. اما گیر کار اینجاست که دولت چقدر حاضر است خودش را به خطر بیندازد. یک زمانی می‌گفتم از اهالی سیاست خواهش می‌کنم برای یک مدت سایه مبارکشان را از سر اقتصاد بردارند اما به این نتیجه رسیدم که حرف بی‌خودی می‌زدم.

چرا؟

چون شدنی نیست، برای اینکه کشور را سیاسیون اداره می‌کنند. آنها باید حکومت را اداره کنند تا بقیه فعال باشند. الان به این نتیجه رسیدم که معتدل صحبت کنم، صحبت اعتدالی من خطاب به سیاسیون این است که اقتدار سیاسی شما به اقتدار اقتصادی وصل شده؛ یعنی اگر به فکر اقتدار سیاسی هستید، باید ابتدا به فکر اقتدار اقتصادی باشید وگرنه آن آماس‌ها کار را از دست شما می‌گیرد. اگر مسائل اقتصادی را حل نکنند، قطعا ضربه می‌خورند. پس اگر اقتصاد را سر و سامان ندهید، نمی‌توانید انتظار بقا داشته باشید. پس ۵۰ درصد به سیاست و ۵۰ درصد به اقتصاد اولویت بدهید. باید تعاملی بین اصحاب سیاسی و اقتصادی ایجاد شود تا مشکلات نسبی حل شود. من دلسوزانه می‌گویم که بقای دولت در گرو رفع آماس‌هاست تا دیگری سوار بر آن نشود. ضمن اینکه دولت اگر می‌خواهد در اقتصاد موفق باشد و همه؛ از دفتر مقام رهبری تا مردم کوچه و بازار، یارش باشند، باید در چارچوب اقتصاد مقاومتی حرکت کند.

خبر

دولت کسری ۳۵ هزار میلیارد تومانی در بودجه دارد

● **مهر:** وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه دولت کسری ۳۵ هزار میلیارد تومانی در بودجه دارد، اظهار کرد: این رقم مهمی است و یارانه‌ها نیز با کسری ۱۷ هزار میلیارد تومانی مواجه است. مطالبات وصول‌نشده بانکی به حدود ۱۵ درصد رسیده است و نظام بانکی که باید به گردش مالی کمک کند، در شرایط سختی قرار دارد. آخوندی میزان بدهی دولت را ۳۰۰ هزار میلیارد تومان عنوان کرد و گفت: این رقم تقریبا یک‌سوم GDP کشور است؛ مشکلی که وجود دارد، این است که در برابر این رقم، بازاری که این ارقام در آن خریدوفروش شود، وجود ندارد.

دولت برنامه‌ای برای برقراری روابط تجاری با آمریکا ندارد

● **تسنیم:** وزیر صنعت، معدن و تجارت در ارتباط با تصمیم دولت برای برقراری روابط تجاری با آمریکا گفت: فعلا هیچ برنامه‌ای برای برقراری روابط تجاری با این کشور نداریم. نعمت‌زاده همچنین درباره واردات سیگار نیز گفت: برنامه‌هایی برای جلوگیری از قاچاق سیگار به کشور وجود دارد و ما می‌خواهیم واردات سیگار را قانونی کنیم.

تولید نفت ایران ۲،۹ میلیون بشکه در روز شد

● **تسنیم:** بلومبرگ براساس محاسبات خود اعلام کرد تولید نفت اوپک در آگوست ۲۰۱۵ با افزایش ۱۰۸هزاربشکه‌ای نسبت به ماه قبل از آن مواجه شد و به ۳۲،۳۱۶ میلیون بشکه در روز رسید. افزایش درخور توجه تولید نفت اوپک در این ماه در حالی است که قیمت نفت در هفته‌های اخیر بیش‌ازپیش کاهش یافته و به حدود ۵۰ دلار در هر بشکه رسیده است. روز گذشته اوپک در گزارشی اعلام کرد، در نظر دارد با دیگر تولیدکنندگان نفت برای رسیدن به قیمتی عادلانه مذاکره کند. اعضای اوپک در نشست ژوئن ۲۰۱۵، با وجود نصف‌شدن قیمت نفت در یک سال گذشته سقف تولید این سازمان را در سطح ۳۰ میلیون بشکه در روز حفظ کردند. در پی اعلام تمایل اوپک برای مذاکره با سایر تولیدکنندگان، قیمت جهانی نفت برای تحویل در ماه اکتبر ۴،۱ دلار افزایش یافت و به ۵۴،۱۵ دلار در هر بشکه رسید. این قیمت بالاترین قیمت نفت از جولای ۲۰۱۴ تاکنون بود. درعین‌حال، با اوج‌گیری مجدد نگرانی‌ها نسبت به وضعیت اقتصادی چین، در معاملات دیروز سه‌شنبه، قیمت نفت برنت ۱،۵۱ دلار کاهش یافت و به ۵۲،۶۴ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت سبک آمریکا نیز با کاهش ۱،۵۲دلاری به ۴۷،۶۸ دلار در هر بشکه رسید. براساس برآوردهای بلومبرگ، تولید نفت ایران در آگوست امسال، ۵۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت و به ۲،۹ میلیون بشکه در روز رسید که بالاترین رقم تولید نفت ایران از جولای ۲۰۱۲ به این سو بوده است. تولید نفت امارات نیز در این ماه ۱۵۰ هزار بشکه افزایش یافته است و ۲،۹۵ میلیون بشکه در روز شد. تولید نفت عراق با افزایش پنج‌هزاربشکه‌ای، به ۴،۳ میلیون بشکه در روز رسیده است. عربستان، که متهم اصلی سقوط قیمت نفت از سال گذشته بوده و در راستای سیاست تحریم ایران تولید نفت خود را افزایش داده است در ماه آگوست ۷۰ هزار بشکه از تولید خود کاست و ۱۰،۵ میلیون بشکه در روز نفت روانه بازار کرد. این نخستین بار در ۹ ماه گذشته است که عربستان تولید نفت خود را کاهش می‌دهد. افزایش مصرف سوخت در داخل به دلیل گرمای هوا و استفاده از وسایل سرمازا، علت افت تولید نفت عربستان در ماه آگوست شناخته شده است.

م/الف ۱۷۸۹

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای به شماره ۹۴/۷۵/۱۰۰

وزارت راه و شهرسازی استان تهران
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای با موضوع خرید چیلر و برج های خنک کننده سالن تجاری پایانه مرزی پرویزخان را با شماره ۲۰۰۹۴۳۰۱۲۰۰۰۰۱۷ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل پاکات مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار در سامانه تاریخ ۹۴/۰۶/۱۱ می باشد.

-مهلت دریافت اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه: ساعت ۱۶ روز یکشنبه تاریخ ۹۴/۶/۱۶
-مهلت ارسال پاکات از طریق درگاه سامانه: ساعت ۱۶ روز پنج شنبه تاریخ ۹۴/۶/۲۶
-تاریخ بازگشایی پیشنهادات: ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۹۴/۶/۲۹
-مهلت ارسال پاکات الف(ضمانت نامه) به صورت دستی تا ساعت ۱۳ مورخ ۹۴/۶/۲۹ به دبیرخانه مرکزی سازمان واقع در طبقه همکف آدرس مناقصه گزار در قبال اخذ رسید می باشد.
-اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار:
آدرس خ ولیعصر، نرسیده به میدان ولیعصر، خ دمشق، شماره ۱۷ و تلفن ۸۴۴۹۱۱۹۸
-اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
با مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱ دفتر ثبت نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
-اطلاعات تکمیلی در اسناد مناقصه می باشد.
-جهت کسب اطلاعات می توانید به سایت http://iets.mporg.ir رجوع نمایید.

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای
دبیرخانه کمیسیون معاملات